

در خدمت
جبهه
آزادیبخش
ملی ایران

بیماری برادران و خواهران رزمندگان خود در زندانها شاه بشتابیم!

در شماره قبل از توطئه عمانیک رژیم شاه علیه رفقای زندانی ما اعمال متکبرانه بر گرفته و در عین حال خاطر نشان کردیم که مقاومت و دلوری فرزندان بیروست خلق در شقاوتگاههای قرون وسطایی شاه و شکست رژیم در تبدیل زندان به "تدامتگاه" موجب این وحشیگری رژیم و ابدی او گردیده است. اکنون ما در نامه های رفقای اسیر در زندانهای شیراز و تهران بطور مشروح از این توطئه پردر گرفته میشود و رژیم آوری برادران غیر مسا در سخت ترین شرایط فشار و اختیای بر همگان آشکار میگردد.

این نامه ها نشان میدهند که برداشت و نقطه نظر ما در این مسئله صحیح بوده و همان تئوریکه این رفقا از زندان شیراز نوشته اند "رژیم خشمگین از این مقاومت خیره کننده و اختیای و فشار و حیثیتهای را در زندانها اعمال میکنند و هر روز فشار بیشتری برای درهم شکستن مقاومت فرزندان خلق وارد میکنند". در اینجا قصد نداریم اعمال خلاف انسانی را که رژیم ضد ملی و فاشیستی شاه نسبت بزندانیان سیاسی مرتکب میشود باز گوئیم. نامه ها و اخباری که اینروزها مرتباً از داخل زندانها میرسد و نمونه هایی از آنها در این شماره میخوانید خود شاهد گویائی هستند و دیگر احتیاجی به توضیح بیشتر ندارند. آنچه ما در این لحظه خود را موظف به تاکید آن میدانیم و وظیفه ایست که بعهده ما یعنی کسانی که در خارج زندان (چه در داخل و خارج ایران) هستند - گذاشته شده است. ما وظیفه داریم که افکار عمومی ایران و جهان را نسبت به حوادثی که در زندانهای ایران میگردد جلب نمائیم و آنها را آوارار کنیم که در این باره اقدام جدی نمایند. در سطح خارج از کشور باید سازمانهای بین المللی نظیر صلیب سرخ بین المللی و عفو بین المللی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و انجمن های حقوقدانان را آوارار ساخت که در این مسئله حیاتی دخالت جسدی کنند. این همان چیزی است که رفقای اسیر مسرا خواستار شده اند. آنها مینویسند: "زندانیان ماندن در صفحه دوم

گزارش مشروح حمله کماندوهای پلیس در زندان شیراز و مقابله جانانه رفقای اسیر تا سر حد توان

نامه ای از زندان شیراز

باید تا بحال دانسته باشد که رژیم ایران در یکبار بستن شبکه های موحث به ایستاد بساقت دست یافته است. سوزاندن تا معجز استخوان و استعمال باتی و تجاوز به مرد و زن و کشیدن ناخن ها و تسلان و شوک الکتریکی و انواع جنایات باموری پیشیا افتاده تبدیل شده. تا بحال چندین نفر در زیر شکنجه جان سپرده اند.

مراجع صلیب سرخ بین المللی و کمیته های حقوق بشر و جمعیتها و انجمنهای آزادیخواه تا کنون نتوانسته اند قدم موثری در کاغذ این جنایات بردارند. رژیم ایران هنوز با وقاحت خود را مدافع حقوق بشر می داند! تا امروز ده ها نامه و سند زنده در اثبات جنایات رژیم بدتیا عرضه شده. در اینجا میخواهیم آنچه را که گوئید از این رفتار جنایتکارانه رژیم بر ضد زندانیان سیاسی بشمار مسرود بساز گوئیم:

در زندان نوناز شیراز صد و سی و نه نفر (۱۳۱) زندانی سیاسی تبعیدی در شرایطی غیر قابل تحمل در اسارتند. در میان این عده از اعضای سازمان نظامی حزب توده که در سال سی و سه (۱۳۳۳) بازداشت شده اند تا آخرین اسرای جنبه مسلحانه انقلابی رسیده میشود. اکثریت زندانیان اعضای سازمانهای چریکی هستند که در دو سال اخیر با سارت در آمدن تان ساختمان زندان شیراز قافله محوله آزاد و عوار نور کافسی است. غذای زندانیان منحصر است به جیره رسمی که در هر مرحله از سلسله مراتب اداری کوشش از آن حبیب ماموران فاسد شهریاری میروند. در نتیجه سوء تغذیه عده کثیری به بیماریهای دستگاه گوارش دچار شده اند.

زندانیانها هرگونه رابطه زندان ما خارج را قطع کرده اند. ملاقات با بستگان مدتی کوتاه در زیر گشتن شدت و در فواصل کوتاهی انجام میشود. کتاب و نشریات بجزمورد زندان میشود و روزنامه ها از خرو داخلی از سانسور شدت زندان میآید. با وجود این گشتن شدت ترحم روز شمار ماموران مانده و در صفحه سوم

غی دو سال اخیر زندانیان سازمان امنیت و شبیهاً در کون شده. سکون زندانها بر هم خورده و با بیای رشد جنبه انقلابی مسلحانه اسرای جنبه و جد آنان که قبلاً اسیر شده اند وجه آنان که در دو سال اخیر با سارت در آمده اند با شور و فداکاری بیسابقه مبارزه بر ضد رژیم دست زده اند و در صفوف متحد از آزادیهای انقلابی جنبه در پشت میله های زندان دفاع میکنند.

رژیم خشمگین از این مقاومت خیره کننده و اختیای و فشار و حیثیتهای ای را در زندانها اعمال میکند و هر روز فشار بیشتری برای درهم شکستن مقاومت فرزندان خلق وارد میآورد. در این دو سال بارها مامورین ساواک و اطلاعات شهریاری ناگهان بزندانیان هجوم برده و با شلاق و باتی و سرنیزه بجان زندانیان افتادند. بارها راهروها و بند های زندانها تبدیل به صحنه برخورد های خونین شده ولی نتیجه همین این جنایات تحکیم وحدت نیروهای خلق و استوار شدن اراده مبارزان اسیر در دفاع از حقوق خلق بوده است.

تبعید های جمعیتی از حمله وسائل اعمال فشار بزندانیان سیاسی است. در سال ۵۱ عده های زندانی سیاسی بشهرستانها تبعید شدند. عده ای در گروههای دو سه نفری و بقیه در دسته های سی جمل نفری بزندانیان شهرستانها اعزام شدند. عده کثیری در زندانهای شیراز و مشهد جمع شدند.

در شهرستانها هرگونه وسیله زندگی و حداقل شرایط برای ادامه حیات از زندانیان تبعیدی سلب شده و وضع تغذیه در این زندانها بسیار وخیم است. ملاقات زندانیان بندرت و آنهم در بدترین شرایط انجام میگردد. این شرایط نامساعد موجب چند دوره اعتصاب غذا در زندان مشهد شد. در شهریور سال ۵۱ یکی از این اعتصابها ۱۹ (نوزده) روز طول کشید و زندانیان در خطر گرسنگی قرار گرفتند. سرانجام زندانیان مشهد را در شهرهای دیگر پخش کردند و بجا از آنها زندانیان تازه از فرستادند که باز سرخوردند و از سر گرفته شدند.

در اینجا نمیشواییم از شبکه های راجس، اویس و کمیته حرفه بزنیم. همه دستها

حسه ساری برادران و خواهران

سیاسی ایران حسد دارند از مباحث
 - الشیخی نهضت. در حالت حسدی در
 ایران - در این باب حائز اعتبار است برکنش
 اگر آزاد مباحث جهان امروز قسریاد اعتراض
 خود را بر سر حد این جنایات بلند نگفته
 بود در این دستگاه تاریخم و نژاد مردم
 ستمیده اسمران نسرمنده خواهند نمود .

ما خواستار اعتراف حیات های سازرسی
 بین المللی و افشاری وسیع از رژیم
 حساسی ایران هستیم . ما در راه
 رهائی غنچه های خود یکبار زده اسم و باسار
 نشینیم . نوکتر قدرتهای امپریالیستی است
 در آسوده ایست .

این مسئله است حسی ! رژیم میخواهد
 برادران و خواهران ما در زندانها نباشد کند . اینرا
 بدینوسیله رفقای اسیر ما در زندانها در فراموشی
 خاشاک گردانده اند که : " نهمین جانیان
 نوکتر امپریالیسم ایست : زندان را بنگاه گناه
 انقلابیونی تبدیل کنید " . و بطور حسدی
 در این زندانها خاری است در چشم شاه
 و ابادی او و به همین جهت در نظر دارند " اسرائیلی
 را که توسط محاکم نظامی اعدام شده اند
 در اسارتگاه بدست درخشان بکشند " .

نماید که است درخشان دست در ده فهای
 آدمکشانه خود موفقی شوند . و غنچه حساس
 و مهمی در مقابل ما قرار گرفته است و گوشه های
 خستگی ناپذیری لازم است تا با نجاش و شیفتهای
 خود ناشلس نشویم .

از آنجائیکه مبارزات خانواد همای زندانیان سیاسی
 با وجود اختناک و تضییقات بیخاری که برویششان
 احداث میگردد . شکل تازه و تکامل یافتهای بخود گرفته
 است - تظاهرات چند ساعته خانوادها در جلوس
 مجلس شورای و سرچشمه و بازار این امر را ثابت میکند .
 حمایت توده های وسیع تری از مردم یعنی دانشجویان
 دانش آموزان ، فرهنگیان و سایر افشار روشنفکران و کارگران و
 بازاربانان و سایر توده های شهری از این مبارزات ،
 متواتر این مبارزات را به جنبش بزرگی تبدیل نموده
 و مسئله را در سطح وسیعی از جامعه ما مطرح کند .

یاران در بنید ما با اتحاد و استقامت
 و دلیری خود در زندان ، در مقاومت و مبارزه
 و اعتماد به مسلمانان و در عین حال
 ثابت میگردد که تنها سرگام است که میتواند
 آنها را از ادامه مبارزه باز دارد ، و گمراه زندان
 خود صحنه دیگری از مبارزه علیه رژیم
 خائن خود گام و وابسته با امپریالیسم شاه است .

آنها با مبارزه دلیرانه پیوستگی رزمنده خود را برآه
 خلق و جنبش انقلابی با ثبات رسانده اند و
 اینست مبارز دیگری آنها در پیام خود اعلام
 میگردانند :

" ما در اینجا از پشت میله های زندان
 برآه خلق و جنبش انقلابی مسلحانه
 وفادار خواهیم ماند و علیه رژیم
 همه این جنایات بمبارزه خونین
 در راه رهائی و نجات ادامه خواهیم
 داد راه ما با خون آفتاب
 شد . با امواج خروشان
 از خون به بیخه مسرود . ما
 اسیران در اسم که در ایس یکبار
 بر حسن و مردم آزاد جهان
 خلدیم ما را تنها نخواهد
 گذاشت . "

بقیه تظاهرات خانواده زندانیان

پس از مدتی یک سرهنگ شهریاری باقیای عدای
 پاسبان به زنان تظاهر کننده حمله کرده و گوشه
 متفرق کردن آنها متعمدند . سرهنگ نامبرده ابتدا شروع
 بداد و فریاد و خشونت نموده ولی وقتی در مقابل اراده
 مصمم مادران زندانها و بخصوص زنان مسن بقرار میگردد
 از در نرسش پیش آمده و شروع به دلجویی از مادران کرده و
 از آنها " خواهش " میکند برای آنکه برای او مسئولیتی
 پیش نیاید ، متفرق شوند ، در اینجا خانواده ها متفرق
 میشوند و طبق ترتیبی که بین خودشان میدهند نیمی ساعت
 بعد در سرچشمه دوباره جمع میشوند و شروع به دادن
 شعار و گار توضیحی بین مردم و کسبه میدان سرچشمه
 میکنند و مورد استقبال مردم قرار میگردند . در اینوقت
 عدای دانش آموزان در مسلمان که از تظاهرات زنان بوجد
 آمده بودند صحنه ابراز احساسات پشتیبانی از آنهاست ،
 آنها نزدیک شده و همبستگی خود را از مبارزه خانواد همای
 زندانیان سیاسی اعلام کردند . مادران شرایط بد زندان
 و رفتار وحشیانه مأمورین و اینکه چرا فرزندانشان بزندان
 افتاده اند و هدفهای انسانی و استقلال طلبانه آنهاست
 را برای مردم بگونه سرچشمه شرح میکنند و همه جا از
 پشتیبانی مردم بهره مند میشوند . در این هنگام سرهنگ پلیس
 دوباره پیدا میشود و آنها را متفرق میکند .

در اینوقت چند تن از زنان پیشنهاد میکنند به
 دانشگاه بروند ولی عدای استدلال میکنند که چون
 دانشگاه تعطیل است و از طرفی دانشجویان پیوسته در
 صف اول مبارزه علیه پیدادگری رژیم و دفاع از منافع
 خلق بود مانند لذا بهتر است بازار برویم و در آنجا
 با فشارگری بیرون آیم . این پیشنهاد علی میشود و هنگام
 ظهر در سیزده میدان جمع میشوند و شروع به تظاهرات
 میکنند . عدای از بازاربانان آنها پیوسته و ابراز
 همدردی میکنند که ناگهیبان پلیس به تظاهر کنندگان
 حمله کرده و از ورود آنها به بازار جلوگیری بعمل
 میسازد و پسران مدتی آنها را متفرق میسازد .

این تظاهرات که با برنامه و نظم خاصی در سه نقطه
 مختلف تهران در ساعات مختلف برگزار گردید نمودار
 اعتلای بسیاقت و قابل توجه روحیه مبارزه جوانان در زندان
 و دختران کمروما و رشد بی نظیر سازماندهی
 در آنهاست .

بقیه چگونگی فرار اشرف دهقانی

برادر و همسر مبارزین (حمید جلال زاده و رضاسمان تن)
 در زندان بسر میبردند . برای فرار اشرف حق تقدم قائل
 میشود . در ملاقات ایام نوروز برنامه فرار اجرا میشود .
 و رفیق اشرف دهقانی موفق بفرار میگردد ولی دو تن
 دیگر نمیتوانند از زندان فرار خارج شوند . ناهید جلال
 زاده در محوطه زندان قصر شناخته شده و بازداشت
 میشود . بلافاصله رفقای زندانی از زندان زنان بگفته
 (گمبته مشترک ساواک - ششزبانی برای مبارزه بسا
 انقلابیون) منتقل میکنند و در آنجا شگجه بسرای
 کشف مسیر اشرف و نحوه تدارک آغاز میشود . خواهر
 ناهید بنام نسودر همراه دیگر اعضای خانواده
 جلال زاده بازداشت میکنند و پسران آزاد می گردانند
 خانواده ، او را همچنان در زندان نگهداری میکنند .
 خواهر و مادر اشرف نیز بزندان کشیده شدند ولی
 ضربه ایکه پلیس خورد جبران ناپذیر است .

اکنون اشرف دهقانی بصف فدائیان خلق برگشته
 و بر ضد دشمن میجنگد . در زندان زنان نیز مانند
 سایر زندانها همه چیز حکایت از ادامه مبارزه میکند . در
 آنجا صرف جنبش یکبارچه و مستحکم شده است و هر
 روز استحکام بیشتری می یابد . اعضا و وابستگان
 سازمانهای چریکی می اعضا و وابستگان بجزایریهای
 سیاسی طرفدار جنبش مسلحانه و عدای از زندانیان
 فدایی که برخی از آنها سابقا در زندان بسر میبردند ،
 در وقتا دروش هم با دشمن میجنگند .

بقیه توطئه مقامات . . . (نامه رفقای زندان قصر)

بامهاسای زندان ملو از پلیس و سرباز مسلح شده بود .
 ساجرا که از ساعت هشت صبح شروع شده بود تا ظهر
 باین منوال ادامه یافت . بالاخره فرماندهان پلیس اعلام
 مذاکره کردند . دو نفر از زندان شماره سه و سه نفر
 از زندان شماره ۴ طرف مذاکره بودند . مذاکره
 جمعاً چند ساعت طول کشید تا شرایط آتش بس تعیین
 شد و تضمین کافی برای جلوگیری از حمله انتظامی پلیس
 گرفته شد . پلیسها زندان شماره چهار را تخلیه کردند
 و جز دو سه تن پست های عادی زندان کسی در آنجا
 نماندند . مجروحین که پیش از این بودند تحت درمان
 قرار گرفتند .

هنگامیکه ما به الحاقهایمان که قلا در اشتغال
 جماعتی بود وارد شدیم دیدیم که پلیس ناتوان از برابر ی
 با خود ما بجای اثاثه و لباس و اثاثیه ایمان افتاده است .
 پیش از هشت هزار تومان پول ضمن اون کمن را که متعلق
 به همه یکصد و هشتاد نفر ما بود ماموران درز پلیس
 بسرقت برده بودند . تمام کت و شلوارهای ما از هم بریده
 شده بودند . راد یوهای پنهان ما را که مجاز است ، خود
 کرده و زینت راها را گناهیها و هر چیز دیگر را که بد ششمان
 رسیده بود از حیز انتفاع انداخته بودند . جمع خسارات
 وارده بیش از بیست و چهار هزار تومان بود . افسران
 مهاجم که پول هارا بچیبت زده بودند منکر وجود هشت
 هزار تومان پول ما شدند . گویا اصولا در زندان ما پولی
 وجود نداشته است .

پلیس اثاثه ما را خرد کرد اما در زیر فشار اراده
 رفقای ما خرد شد و دست و دشن دیدند که جنبش
 انقلابی قضای تیره زندان هارا در کمرگن ساخته و فرزندان
 خلق را به مبارزه بی امان در هر کجا ، در زندان و در
 آزادی فرا خوانده است .

بند چهارم زندان قصر - تیرماه ۱۳۵۴

بقیه اخبار و سنگربینا
 انقلابی فرار گردید عبارتند از : علی توسلی از
 رفقهای چریکی فدائی خلقی که در سال ۱۳۵۰
 در دادگاه با اعدام محکوم شد و محکومیت او همراه نسن
 نسن دیگر از رفقای فدائی به حبس ابد تبدیل شد ،
 تقی شهمرام از برادران مجاهدین خلقی
 که به هشت سال زندان محکوم شده بود و حسین
 عزیزی از پیرونده " ستاره سرخ " بود و سه
 ده سال زندان محکوم شده بود .

مشغول کلاتری پسران آنکه در اواخر سال گذشته
 از زندان بند رضایریه تهران منتقل شد ابتدا در زندان
 قزل قلعه و سپس در زندان اوین محبوس گردید . از
 همان ابتدای انتقال به تبران شگجه و آزار این سباز
 دلیر آغاز شد . ملاقات با او دشن گردید و از هنگامیکه
 به زندان اوین منتقل شده حتی از گرفتن غذا و
 لباسی برای او خودداری میکنند . هیچکس نمیتواند بر سر
 او چه آورده و چه بیاورند ؟ او که همراه با گروه جزئی
 محاکمه و بد سه سال زندان محکوم شده ، بعلت شگجه هلی
 وحشیانه دوران بازجویی ، سلامت خود را از دست داد
 و به بیماری آسم و تنگی نفس مبتلی گردید . در طول این
 مدت زندانی بودن هیچگونه وسیله مسالجه در دسترسش
 نبود و با بسر بردن در زندان جنبی بند رضایریه
 روز بروز وخیم تر شده و در حال حاضر با شگجه های مجدد
 وضعیت بطور جدی نگران کننده است .

بقیه شهادت و انقلابی دیگر

ایران فرور کرده و در این رهگذر برایش مدعی ، مارکسیست ،
 فارس ، آذربایجانی ، کرد ، بلوچ ، خوزستانی ، گیلانی ،
 و خراسانی فرق ندارد . هر جا مقاومتی باشد و خطری
 رژیم منقطع و پیوسته فائزرا تهدید کند با سمیت آنها
 میگرد . به همین دلیل برای چریکی بر این رژیم فاسد
 اتحاد رزمنده و انقلابی تمام نیروها و خلقهای ایران ضرورت
 حیاتی دارد و به همین سبب است که طرفداران اخیر
 این اتحاد در عرصه مبارزه مسلحانه در میدان نبرد
 و نه روی کاغذ - بوجد آمده و روز بروز زمینه مستتری برای
 تحقق پیوستن " جنبه آزاد بیختری ایران " از تمام
 نیروها فراهم میسازند .
 گورامی بان خاطره تمام شهیدان جنبش نجاتبخش مردم ایران
 نرسنگ و نرفت بسر رژیم دست نشانده فاشیستی شاه
 پیروز بان مبارزه خلقهای ایران علیه رژیم شاه و امپریالیزم

خبرنامه

شهریانی بنام "بازرسی" بزندان مرزوبند و ساعتی و مسائل خواب و بیا بر مارا در هم ریخته و جستجو میکنند.

در ساعت ۱۱ روز ۱۶ (بیست و شش) فروردین ۱۳۵۲ ظاهراً بعنوان همین بازرسی بود که در حدود چند تن از بازجویان سازمان امنیت، رئیس اطلاعات شهریاری شیراز، سرگرد مسکری، رئیس زندان شیراز سرگرد شهریاری، رئیس ساوا، شیراز، معاونان ساوا، یعنی رؤسای و مشور و رئیس ساوا، دانشگاه شیراز آرمان - بزندان محبم آوردند. مهاجمین زندانیان را در سلول ها محبوس ساخته و بازرسی توأم با توهین آغاز شد.

بر خلاف همشما ما را محبوس کردند که سوابق تحت توپ مامورین و رؤسایان رکنه ترین فحشها را بر زبان مآوردند این رفتار تجاوز آمیز از جانب رفقای ما تحت نظر موجب درگیری زندانیان با مهاجمین گردید. مامورین شهرتانی فاشه هائی را که در زیر اینفورم بسته بودند باز کرده و بجان زندانیان افتادند. بعد بانسین ها نیز یکبار افتاد. ما برای حفظ جان خود ناچار به مقابله شدیم. در حین لحظه زندان تبدیل به میدان زد و خورد خونین شد. نسیاحت زد و خورد ادامه داشت. عد گیری زخمی شدند. از جمله مجروحان موسی محمد نژاد و سید جلیل سید احمدیان و علی صفائی (برادر سید دلیل صفائی شهید) بودند. سرانجام پلیسها عقب نشستند. در این برخورد خونین اعضای سازمان های چریکی و همکاری نشان نگر سازمان های داشتند و با جسارت کامل از حیثیت خبیث انقلابی دفاع کردند. در حین زد و خورد شمارها و سرورده های انقلابی خوانده شدند. پس از شکست و عقب نشینی مهاجمین مدتی طولانی سرود خوانده شد.

بسیاری همه آشکار بود که پلیس پاسانی دست از سر زندان نمیکنند. بزودی زندان ملوث از نیروهای مسلح شد. یک گردان نیروی ویژه هواپسرد و گارد شهریاری شیراز بند سیاسی را محاصره کردند. ما آماده برخورد مسرک و زنده گسی شدیم. ظرفهای آب نخیره شد. بسیاری مقابله با گاز اشک آورچاره اندیشی شد. در های ورودی بند در سه نقطه مسدود گردید. بزودی آب بروی ما پاشیده شد. پلیس که اوضاع را این گونه ندید و برایت مسلم شد که جز با کشتار زندانیان نمیتواند بر آنها مسلط شود برای مذاکره جلو آمد. نتیجه مذاکره قبول خروج نیروهای مهاجم از زندان و پذیرش اعاده وضع عادی در بند از جانب رفقای ما بود.

طبرقین بتعهدات خود عمل کردند. شب برای صرف غذا با احتیاط به غذا اخوری زندان رفتیم. تا ساعت دو بعد از ظهر روز بعد (۲۷ فروردین) اوضاع ظاهراً عادی بود ولی بیم تهاجم مبرفت. عد ما از رفقا که سخت بیمار بودند و تحت پرهیزه افی قرار دارند در بند ماندند. در ساعت دو بعد از ظهر عد ه گیری گویاند و مجبزه به لاله خود و بسا توده های ضد اشتغال پفرمانه های یک سرگرد بد اخسل بنسید ریخته شد و بیماران را بد شدت تک زده بسلولهای انفرادی بردند.

کسانی که به تهاجوری رفته بودند در فاصله سالن غذا اخوری و بند سیاسی به محاصره عد ها گویاند وی پلیس که عد ما از آنها شناسیده از تهرمان آمده بود در آمدند. عد مهاجمین در این روز بین ۵ هزار روپانص (۱۵۰۰) تن بود. رفقای ما اطلاع کردند که هرگونه جلسه به زندانیان به برخورد مرگ و زندگی میکشد. نماینده دادستان نظامی شیراز در اینجا حضور داشت. در اینجا برخوردی روی نداد ولی گلبه زندانیان بسلولهای

انفرادی برده شد. کمد و وسایل شخصی من با کتاب، دارو و غیره از جانب عد ها از ساعت سه بعد از ظهر تمام روز ستوان امرا مسدود و حین روزی و شب در خانه مسدود شدند. در سه ساعت سیاسی در ستان زندان در ساعت دو و نیم بعد از ظهر در زمان مارا ساسی موسی محمد نژاد، محمد آر جمعه علی شهید و جواد علی رباعی، عزیز سرگرد و سید جلیل سید احمدیان، علی محمد شهید، امین علی غایب، حسین سرخیز، حسین شیخ ناخرانی، رضا شهید، پرویز حبیبخاندر، احمد محسنی، زانی، سردار سعید شهید (شهید) بخیران محرم، از چند آزاده و بانفردان عا م معروفه به انتشار برده. در اینجا این رفقا را چشم و دست و پا بسته در تالاده انبار و سردانه محبوس ساختند.

اعتصاب غذا ادامه یافت. در روز غذا سه نوبت در سلول عا برای نواله باز شدند. همرازان بدو یزیدت و در او مانده بودند. در وقتائی که بزخم معده دچار بودند خونریزی میکردند. خنده تن از رفقا در سلولها بسوی مسرک میترس رفتند.

در روز سی و یکم فروردین رئیس زندان امراهه گارد شهریاری زندان داخل شده بنای فحاشی را گذاشت. ساعت هشت بعد از ظهر تیریب زندانیان را از سلولها خارج کرده و چشم و دست آنها را بستند و به کیمه مشرف ساوا، و شهریاری که بزوت زندان است برده. در طی راه مامورین گارد با حرکات گارته رفقا را می زدند. در کیمه بساط شکنجه رسمی یعنی "تلای" شوک الکتریکی و کتک بر پا بود. سرانجام نیز با زور در دهان زندانیان را باز کرده شیره آبدار و انواع مایعات را بزور در دهان اعتصاب کنندگان می ریختند. عد ما را نیز الماسه کردند. باین ترتیب اعتصاب عد ای زندانیان را در کیمه

شکفته. دادستان شناسی شیراز شخصاً برای جنایات نظارت میکرد.

سیزده تن رفقا را بلافاصله پس از جدا کردن از دیگران به کیمه مشرف برده در آنجا بد شدت شکنجه کردند. آنها بطریق فشار شدید اعتصاب عد ای خود را ادامه دادند و روزهای بیایی مورد شکنجه و عذاب قرار گرفتند. در این میان وضع عد ما از آنها بد شدت وخیم بود. عزیز سرورده و سایر رفقای جهانخیز بر اثر خونریزی بیایی در کسرف مسرک قرار داشتند. موسی محمد نژاد را هر شب به کیمه برده شکنجه میکردند.

در روز دهم اردیبهشت عد ای از این رفقا را به بند باز گردانند ولی از عد ه های دیگر خبری در دست نبود. چنان عد روز معلوم شد که این رفقا را به تهران، زندان اوین برده و در آنجا شکنجه و انتقامجویی ابعاد وحشتناکی پیدا کرده بود. همی رفقا از زندگی این عد ه قطع امید کرده اند. اینها را نیمه جان بسلولهای انفرادی شیراز باز گردانند. باز شکنجه و کتک و عد د سترسی به دارو و یزیدت ادامه یافت.

ماموران سازمان امنیت و شهریاری باین وسیله میخواهند اراده زندانیان سیاسی را درهم شکنند. آنها آشکارا قصد جان ما را داشتند. باین ترتیب اسرانی که توسط مقام نظامی اقم اندام شده اند باید در اسارتگاه بدست دوشیمان جان بسپارند.

اکنون حدود دو ماه است که عد ه کثیری از رفقای ما در سلول انفرادی بس میزند. در اینجا حتی از جیره عادی زندان خبری نیست. دارو و یزیدت ما تنها وجود ندارد. بخانواده ها ملاقات نمیدهند. تمام مسائل زندگی، شرافت و بهداشت و جوانی و نوشتن از مسأله سلب شده است. هر چند آه یکبار رؤسای جنای زندان مسرک خبرمائی عد تن از رفقا ما را

همراه ما ماموران فاشه گد میزند. در حین قصد ضعیف بودن رفتار ما را میزند. عد مهاجمی بول شکایت رسیدنی و مجوز ندارد. مرکز جهانی دشمن جلادی و خونریزی مند عد ساوا، شیراز رفقای مهربان ما را خرگو. آزمانشاه شکنجه خون برده است.

ما در اینجا شام عد بر تدریجی عد تن از رفقا

جود هستند. عزیز سرورده در شرف مسرک است. خفتن تن در کسرف در روز در سلول عا غنی استخوان میکند. باین جنایات رژیم خونخوار عد تازه ای در راه جنایات عد انسانی سرورده ارد. شمار جنایات مرکز امیرالین این است: زندان را بخلگاه میلیون بند بر کشته ای. اکنون در عد ه زندانیان رژیم جنایات انفجار حتمی میشود. بزود عد زندانیان بیم در کیمه بار خونین مسرورده. امروز خبر تازه ای از زندانیان مرکز و شهرستانها به ما می رسد.

زندانیان سیاسی ایران حق دارند از مجامع بیسن الطلی قضای بد حالت عدی در پایان در آن باین جنایات انگار ناید بر گند. رژیم ایران رو جنایات اسرار عا نازی را سفید کرده و تحت نظر مستشاران جانی امریکائی فرزندان خلی ما را سلاخی میکنند. اگر آزاد بخواهان جنایان امروز قربان افتاد خود را بر عد این جنایات بسند کنند. فردا در پیشگاه تاریخ و نزد مردم بسند بده ایران شومند خواهند بود. ما خواستار اعزام عیانهای بازرسی بین الطلی و افتکاری وسیع از رژیم جانی ایران هستیم. ما در راه رهائی خلقهای خود پیگیر کرده ایم و با مسرت در تنگ کسرف قدرتهای امیرالینستی است بر آمده ایم. ما در اینجا بسا در پشت میله های زندان برای خلق و جنبش انقلابی مسلحانه وفادار خواهیم ماند و لیون همه این جنایات بمبارزه خونین در راه رهائی و صلحان ادامه خواهیم داد.

اکنون برادران عزیز ما در شهر و کوه بر عد دشمن میجنگند. در این دو سال بیش از دو سوت نفر از آگاه ترین عناصر انقلابی بشهادت رسیدند. در این مدت اعتصابهای کارگری، اعتراضهای دانشجویی و هر حرکت جمعی مردم با آشوب رژیم روبرو شده ولی عد د آشوب انقلاب بیشتر زیانه میکند. در مذاکره ما جنبش انقلابی مسلحانه طفقار و خلیس و جنبش انقلابی خلق فلسطینی، جنبش رهائی بختر خلق بلوچ و دشاد و جنبش انقلابی مسلحانه ایران به پیتر میزود. راه ما با خون آغاز شده و با انواع خروشانی از سوان به پیتر مسرورده. ما امان داریم که در این پیکار سر حق مردم آزاده جهان و خلقهای ما را تنها نخواهند گذاشت.

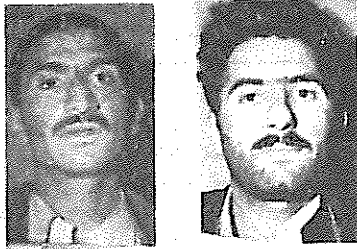
زندگان شیراز
خبردار ۱۳۵۲

دلیوری بیسن جزئی
در شماره قبلی خبر اعمال فشار و شکنجه به مبارز دلیور و مقاوم بیسن جزئی را اعلام کردیم و در این شماره هم نامه زندانیان شماره ۱ فصر این موضوع را تأکید کرده است. خبر اخیر که رسیده حاکی است که این مبارز را پس از جدا کردن از بقیه زندانیان و منتقل کردن بزندان انفرادی موسی پکار انسی که در قسمت سترونی از محوطه زندان قرار داده شده به شکنجه او پرداختند. از جمله دوشیمان امروز بعد چند ساعت او را با آرزو می کنند. روحیه جزئی در تمام ایند. سناغانی و غیر قابل توصیف بوده است. در حین سوب دوشیمان بول تصمیم روحیه و غیر زندانیان که تحریک شکنجه جزئی از ما با آرزو بود. آنها را به سلول او مسرورده یا حده و روحیه عالی جزئی رو بر می شوند. اس برخورد در روحه زندانیان بر تحریک مامورانی است و موجب گردید که آنها بسبب خود در تمام دوشیمان ما میسر

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

توطئه مقامات جنایتکار پلیس در زندان قصر و پاسخ دندان شکن دلاوران اسپیر

نام رفقای زندانی در نامه چهار زندان قصر



محمد فرزندی صدیق

عزیز مصطفی زاده

شهادت دو انقلابی دیگر کرد

طبق خبر روزنامه های ایران، در سحرگاه ۱۰ آبانماه دوشنبه از انقلابیون شیرازان گردیدند و با دست زدن به شهادت رساندند. ما در شماره ششم ضمن انتشار اعلامیه حزب دمکرات کردستان ایران خبر شهادت ملاقات روزی و زخمی و بازداشت شدن چند تن از زندگان کرد را توسط ساواک در دوم فروردین ۶۰۲ با اطلاع رساندیم. رژیم در طول اینمدت به شکنجه این مبارزان مشغول بوده و محفصانه آنها را محاکمه کرده و بالاخره بدون اطلاع حکم اعدام را در بارشان اجرا کرده است.

امروز رژیم خونخوار شاه دستترا تا برفق در خین مردم مانده در صفحه دوم

اخبار دستگیریها، محکومیتها و زندانها

در ۱۵ خرداد ۶۰ رضا پورجعفری نوکنده دانشجوی دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران با اتهام همکاری با مجاهدین بازداشت و تحت شکنجه قرار میگردد. ده روز بعد یعنی در ۲۵ خرداد همسر ایشان مهتری فاضل پور آموزگار درستان اعتصاب نیز بازداشت میشود. از سرنوشت این زوج هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

میترا بلبل صفت که چندی پیش دستگیر شده بود با اتهام داشتن چند اعلامیه بیگانه زندان محکوم شده است. رژیم اعلام کرده که عده ای از هنرمندان، فیلم سازان و نویسندگان معروف و محبوب کشور از جمله: رضا علامزاده و عباسعلی سماکار فیلمسازان، رحمت اله حشیدی مخبر - کرامت دانشیان کارمند - شکوه فرهنگ، مریم اتحادیه و مرتضی سیاهچهره روزنامه نگار - اقیور بیاحق فیلمسازان - ابراهیم فرزند، و فرهاد قیصری کارمند - منوچهر مقدم سلیمی و خسرو گسرخ نویسنده بازداشت شده اند. از فرار معلوم این مبارزان پیر از گذشته از بی، دوره شکنجه در انتظار محاکمه هستند. رژیم اعلام کرده اینان قصد داشتهاند شاه را بغل برسانند و فرخ و ولیعهد را برای آزادی زندانیان سیاسی برابند. با این اتهام سنگین خطر مرگ جان این مبارزان را تهدید میکند.

اخیرا دستگیری عاظم هاشمی قویانی، محمد اعظامی، فریده و هایده لاشانی از طرف مقامات پلیس اعلام شده است. طبق اعلام رسیده رفقای که از زندان ساری بصورت بقیه در صفحه دوم

واقع در شماره زندان شماره ۴ قصر

و جنبش انقلابی مسلحانه دفاع میکنند و در برابر قدری های پلیس فاسد ایستادگی میکنند.

در روز سه شنبه پنجم تیرماه بر سر مسائل جاری بیسی سنخکویان ما با رئیس زندان برخوردی بوجود آمد. رئیس زندان پور کمیلیان (که رئیس زندان شماره سه نیز هست) یکی از سنخکویان ما را در زیر عشت بازداشت کرد و برای سرکوبی زندان از کار انتظامی قصر کمک گرفت. فاصله چند دقیقه حدود یکصد تن مامور پلیس زیر فرماندهی افسران خود از جمله سروان حیاتی افسر انتظامی زندان قصر بزندان ریختند. رفقای ما در راهرو یا پذیرهای مهاجم درگیر شدند. زد و خورد با تمام وسائل ممکن حدود نیم ساعت ادامه یافت. بیشتر از ده تن از رفقای ما و همسین حدود مامور پلیس از جمله خود فرمانده مهاجمین سروان حیاتی مجروح شدند.

سرنجام پلیس کوبه و راهی زندان را اشغال کرد ولی رفقای ما در حیاط سنگر گرفتند. اندکی بعد انومیل های نیروی با کارهای شهربانی و نقاب و ماسک و ابزار جنگ خیابانی زندان شماره چهار را محاصره کردند. ولی ما نیز تنها نبودیم. از همان لحظات نخست رفقای زندان شماره سگه دست بشویش و اعتراض زدند. روسای زندان ها و معاون شهربانی کل مرتب تصویر برای اداره عملیات بزدان آمدند.

رفقا در هر دو زندان با غمی آهنین در برابر پلیس ایستاده و حاضر نبودند قدمی به عقب بگذارند. پشت مانده در صفحه دوم

چگونگی فرار اشرف دهقانی

در شماره پیش، متن کامل اعلامیه چریکهای فدائی خلق در باره فرار رفیق اشرف دهقانی را درج نمودیم. اینک نکته هایی در باره این فرار موفقیت آمیز انقلابی بنظر خوانندگان میرسد:

رفیق اشرف دهقانی تا فروردین ماه ۶۰۲ با رفقا شهین توگسی، رفیق (فزانک) دانشگری، عاطفه جعفری، سرسین فضیلت کلام از فدائیان خلق و رفیق مبارز ناهید جلال زاده از رفقای مجاهدین خلق در زندان زنان قصر عمزنجیر بود. نقشه فرار برای عده بیشتری تهیه شده بود اما چند مرحله ای بود. رفیق جلال زاده که به سه سال زندان محکوم شده

مانده در صفحه دوم

مدتی پیش از این واقعه در روز دوازدهم خرداد در زندان شماره ۴ که حبس زندان شماره ۴ است برخوردی با پلیس رخ داد. در این روز حشید ناگهانی پور از رفقای فدائی با رئیس زندان سرگرد پور کمیلیان برخورد پیدا کرد. رئیس زندان و دیگر افسران و ماموران بر سر طاهری پور ریخته، دیگر رفقا خبر نده بلافاصله بسوی دفتر زندان و الحان نگهبانی هجوم بردند. کار انتظامی زندان قصر بگه مامورین زندان آمد. بیم برخورد خونین میرفت ولی برخورد تا مرحله آخر نرسید. همان روز حشید ناگهانی پور - عباس شیبانی و بیژن حشیدی را به زندان مجرد بردند. این سه نفر در آنجا اعتصاب غذا کردند و بقیه رفقا دست باغترا بزدند. بالاخره پیر از سه روز پلیس عقب نشینی کرد.

در زندان شماره سه رفقا با جدیت و استواری از حقوق صغی و آرمان ها و حیثیت سیاسی خود دفاع میکنند و اجازه نمیدهند که پلیسها و شهربانی بزدان مسلط شود.

در زندان شماره چهار نزدیک به صد و هشتاد نفر از رفقای که در رابطه با جنبش انقلابی مسلحانه، چریکهای فدائی خلق، مجاهدین خلق و دیگر جریانهای سیاسی - نظامی و جریانهای سیاسی طرفدار جنبش بزدان افتاد مانده، بسر نمیروند. همه ی زندان (بجز سه چهارتن عنصر غیر سیاسی) در یله کون زندگی میکنند. از اینجا نیز رفقای اسپیر با استواری از آرمان های خلق

تظاهرات خانواده زندانیان سیاسی

پیر واقعه زندان قصر در تیرماه، خانواده های زندانیان سیاسی با اقدامات متعددی دست میزنند که از جمله این اقدامات تظاهرات آنها در میدانها و خیابانهای معروف، پایتخت حائز اهمیت بسیار است. جریان این تظاهرات باین شرح بوده است:

در صبح روز چهارم مرداد ۶۰۲ عده ای از زندان خانواده های زندانیان سیاسی که بیشتر از ۵۰ نفر بودند در جلوی مجلس شورای جمع میشوند. آنها از جهت رعایت اصول کار مخفی نمکی جادو بسر کرده بودند. در جلوی مجلس تظاهرات عرضحالی را برای کمسیون عراق مجلس مفرستند. آنها با اعمال وحشیانه در ضمن پلیس نسبت به فرزندان زندانشان و از بس مرد - تمام حقوق قانونی آنها انترتیا میکردند. مانده در صفحه دوم